

جایگاه ورزش در سیاست داخلی و بین‌المللی برای ایجاد صلح و دوستی

مهدی محمدی عزیزآبادی*

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه یاسوج

چکیده

ورزش و مسابقات ورزشی به‌طور گسترده‌ای وارد زندگی خصوصی و عمومی مردم جهان شده و بر رفتار افراد، جوامع، دولت‌ها، رسانه‌ها تأثیر می‌گذارد و صرف‌نظر از ابعاد زیستی، بهداشتی، اقتصادی، اجتماعی، سرگرمی و تفریحی ورزش و مسابقات ورزشی، این پدیده دارای نتایج سیاسی است که روابط دولت‌ها، گروه‌های اجتماعی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و با مفاهیمی چون قدرت ملی، رقابت، همگرایی و صلح، واگرایی، ستیز و منازعه، ناسیونالیسم و ملی‌گرایی، اتحاد و وحدت ملی و نظایر آن پیوند می‌خورد و بر نگرش و رفتار دولت‌ها و ملت‌ها نسبت به یکدیگر تأثیر می‌گذارد. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که ورزش می‌تواند نقش‌های مهم و راهبردی زیر را در روابط ملت‌ها و دولت‌ها در سطوح مختلف داشته باشد: بهبود و تصحیح تصویر یک ملت؛ تقویت دوستی، افزایش صلح و توسعه رفاقت بین ملت‌ها؛ پیشبرد تجارت و گردشگری؛ تشویق توسعه بین‌المللی؛ وحدت بخشیدن به اقلیت‌ها و مهم‌تر از همه، بهبود روابط بین‌الملل برای دوستی بین ملت‌ها از جمله این نقش‌های راهبردی است. به‌عبارتی دیگر ورزش می‌تواند برای تقویت روابط، کمک و حمایت از صلح و بهبود روابط بین‌المللی مورد استفاده ژئوپلیتیسین‌ها، دیپلمات‌ها و سیاست‌گذاران و نمایندگان سیاسی دولت‌ها و ملت‌ها، سازمان‌ها، بازیگران مختلف روابط بین‌الملل و بازیگران منطقه‌ای مورد استفاده قرار گیرد. روش پژوهش مورد استفاده در این تحقیق روش توصیفی - تحلیلی است و روش جمع‌آوری اطلاعات نیز کتابخانه‌ای است.

کلید واژه‌ها

ورزش، صلح، توسعه، همگرایی، روابط بین‌الملل.

* Email: azizabadi026@gmail.com.

مسابقات بین‌المللی ورزشی، بخشی از زندگی بشر کنونی با تمامی ویژگی‌های آن است. اگرچه بازی‌های جام جهانی به‌عنوان یک رقابت ورزشی می‌تواند لحظه‌هایی پر از شور و شوقی برای میلیون‌ها انسان در سراسر جهان فراهم آورد، در ورای ظاهر ورزشی آن، ابعاد دیگری نهفته است که جذابیت این رویداد را دو چندان می‌کند. بسیاری از بازی‌های ورزشی، اکنون سطح ملی جوامع را درنوردیده و به‌عنوان رویدادهای بزرگ ورزشی در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی مطرح شده‌اند. رویدادهای بزرگ ورزشی جهان هم‌چون بازی‌های المپیک و رقابت‌های جام جهانی، از جمله رویدادهای کوتاه‌مدت ورزشی است که موجب شور و اشتیاق می‌شود و پیامدهای بلندمدتی برای شهروندان کشورهای حاضر در این رویدادها به‌دنبال دارد. ورزش‌های پرطرفدار و ملی یک کشور به‌عنوان اجتماعی‌ترین ورزش در داخل کشورها، هزاران تماشاگر را به ورزشگاه‌ها و میلیون‌ها بیننده را برای تماشا یا شنیدن گزارش بازی بین دو تیم به پای تلویزیون و رادیو می‌کشاند. وقتی ورزشی از سطح ملی فراتر رود و در سطوح منطقه‌ای و جهانی مطرح می‌شود، ابعاد و تأثیرهای آن نیز به‌شدت گسترش می‌یابد. ورزش‌های محبوب با فضای رقابتی شدیدی که ایجاد می‌کند، به شکل‌گیری و مرزبندی گروه‌های رقیب دامن می‌زند و با استمرار آن در طول زمان، به قطب‌بندی‌های موجود، قوت و استمرار می‌بخشد (محمدی عزیزآبادی، 1394: 128). ورزش باعث بهبود سلامتی، تناسب اندام و شادابی و ارتقای آموزش و علم می‌شود. ورزش باعث ایجاد فرصت‌های تجارت و اشتغال می‌شود، ورزش عدم خشونت، رقابت عادلانه، کار تیمی و احترام متقابل را ترویج می‌کند، شکاف‌های قومی و فرهنگی را ترمیم می‌کند، به گفت‌وگوی فرهنگی، درک و تفاهم، وحدت، تساهل و مدارا و همزیستی مسالمت‌آمیز کمک می‌کند. در عصر اهداف توسعه هزاره جدید و جهانی شدن، ورزش به‌عنوان ابزاری برای جلوگیری از منازعات، صلح‌سازی و توسعه توسط نهادها و آژانس‌های سازمان ملل متحد دیده شده است. در این بستر، ورزش به‌عنوان یک ابزار کاهش هزینه مادی و انسانی برای حل معضلات اجتماعی و تصحیح پیامدهای تجاوز، جرم و خشونت و سوءاستفاده دیده شده است و می‌تواند به‌جای خدمات اجتماعی، تادیبی و پلیسی استفاده شود. مسئله مهم این است که با وجود پتانسیل‌های مهم ورزش در ایجاد جهان شکوفا و عاری از خشونت و نیز با وجود نقش مهم ورزش در ایجاد صلح و همگرایی و رفع منازعات و خشونت‌ها در سطوح مختلف، کمتر مورد توجه قرار گرفته است و هم‌چنان از این ابزار مهم غفلت شده است. این پژوهش در این راستا سعی دارد به ابعاد کارکردهای مهم ورزش در ایجاد صلح و همگرایی و انسجام و وحدت انسان‌ها و نیز کاهش خشونت و نزدیکی و همگرایی هر چه بیشتر جامعه بشری بپردازد.

در زیر کارکردهای مهم و مختلف ورزش را مورد واکاوی و بررسی قرار می‌دهیم، از جمله نقش‌های مهم و تعاملی ورزش در عرصه‌های مختلف که منجر به صلح و همگرایی و همبستگی در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی می‌شود عبارتند از:

1- ورزش و صلح

ورزش یک ابزار ارزشمند و معتبر آموزش است. ورزش یک مدرسه ایده‌آل برای زندگی است، نه فقط برای بچه‌ها بلکه برای همه اقشار مردم و همه ملت‌ها. دهه‌ها کار پژوهشی نشان داده است که بازی و ورزش‌ها، نقش حیاتی در رشد بهینه، یادگیری و توسعه توانایی‌های کودکان از زمان کودکی تا نوجوانی دارد. ورزش‌ها و بازی‌ها، فرآیند پویایی را ارائه می‌دهند که به توسعه و تغییر و رشد افراد می‌انجامد. زمانی که آن‌ها در طی فرآیند سنی خود بسیار تغییر می‌کنند؛ ورزش توسعه و بالندگی کودکان را در سه سطح بیمه می‌کند یا تحت تأثیر قرار می‌دهد: جسمی، شناختی، عاطفی و اجتماعی. بر

طبق مطالعات جوردن دی متزل در کتابش با عنوان مزایای ورزش‌های جوانان می‌نویسد: ورزش‌ها برای سرگرمی و تفریح هستند اما همچنین ورزش‌ها مزایای و درس‌های آموختنی را عرضه می‌کنند که همه جنبه‌های حیات انسان را تحت تاثیر قرار می‌دهند. از ورزش و متخصصان به‌عنوان راهنمای کامل پزشکی برای والدین نیز یاد شده است. وی در کتابش اشاره می‌کند که تأثیرات ورزش محدود به فاز پس از منازعه و درگیری نمی‌شود؛ بلکه معتقد است که اغلب مزایای ورزش می‌تواند همچنین در شرایط و وضعیت بعد از خشونت موفق تلقی شوند. او معتقد است از آن‌جا که ورزش یک زبان جهانی است، مزایای اجتماعی، شخصی به‌دست آمده از طریق انجام ورزش در یک کشور می‌تواند با شرایط مختلف توسعه یابد. این نکته ضروری است که ورزش را به‌عنوان یک ابزار آموزش، رشد و توسعه انسان در یک محیط مسالمت‌آمیز و صلح‌جو تلقی کنیم تا گام‌ها و اقدامات ضروری و مثبتی را در ارزیابی و تحلیل تأثیرات منفی و مثبت آن در یک محیط یا شرایط پس منازعه در حین فرآیند صلح، آشتی و مصالحه خصوصاً درمان آسیب‌های روحی و بازسازی روابط برداشته باشیم. توسعه شخصیت سالم، افزایش تناسب و شادابی فیزیکی، تقویت اعتماد و عزت نفس باعث بهبود سلامت روحی و ذهنی، تجربه کنترل شخصی، دستیابی به مهارت‌های اجتماعی و رفاه و خوشبختی روانی می‌شود و کاهش اضطراب، افزایش همدردی و روحیه مدارا، همکاری و کاهش احساس انزوای اجتماعی و افزایش کار گروهی همه از جمله مزایایی است که می‌تواند از طریق ورزش به‌دست آید؛ چنانچه برنامه‌های ورزشی بخشی از یک رویکرد کل‌نگر و گسترده‌تری باشد که هدف و جهت‌گیری آن ایجاد شرایط صلح دائمی و ماندگار است. در حین و بعد از بازی مشارکت کنندگان می‌توانند در بحث‌های آزاد مشارکت کنند و نیز در برنامه‌های آموزشی راجع به مزایای انسجام اجتماعی و در آموزش‌های مربوط به مدیریت منازعه و حل برخورد مشارکت نمایند. با این‌وجود ورزشی که مبتنی بر پروژه‌هاست می‌تواند تأثیرات متضادی تا بدتر شدن شرایط را در پی داشته باشد. از لحاظ جنبه‌های منفی، ورزش مملو از تبعیض و نژادپرستی است و می‌تواند باعث ایجاد ناشکیبایی و سوءتفاهم هم بشود. همان‌طور که کیم اشاره می‌کند ما نیاز داریم درباره ساختن ادعاهای باطل درباره ورزش و افزایش انتظاراتی که نمی‌تواند محقق شوند محتاط باشیم. خود ورزش نمی‌تواند فقر را ریشه‌کن کند و جلوی جرم و جنایت و خشونت را بگیرد و بیکاری را حل کند و فساد را متوقف کند و احترام به حقوق بشر را تقویت کند؛ باید عوامل دیگری نیز در کنار ورزش مدنظر قرار گیرند (Serena, 2009: 23). قدرت ورزش در ایجاد مصالحه و آشتی، ناشی از محبوبیت آن و شهرت آن است. اما تأثیر و تأثرات آن بر روی آشتی، بسته به شیوه اجرای آن است. هر ورزش برای صلح یا هر ورزشی که قرار است به ارتقای صلح منجر شود باید برخی از قواعد یا اصول راهنمای زیر را برای موفقیت و اثربخشی خود رعایت کند:

- درک یا فهم منازعه و محیط فرهنگی که برخورد و درگیری در آن رخ می‌دهد؛
- پایه‌ریزی فعالیت‌ها بر مبنای مشترکات و منافع و هویت متقابل؛
- مینا قرار دادن فعالیت‌ها بر اساس خصوصیات، شرایط و منابع محلی؛
- استفاده از مربیان و آموزگاران هم‌تا برای تضمین گشودگی و تعامل به‌جای رویکرد معلم-دانش‌آموز و از بالا به پایین؛
- آگاه بودن از توزیع خدمات در سرتاسر خطوط نزاع. جانبداری از یک طرف منازعه می‌تواند سبب شعله‌ور کردن و تشدید بیشتر منازعه شود به‌جای این‌که آن‌را کاهش دهد؛
- آگاه باشیم و یاد بگیریم که چطور منازعات و برخوردهای درون گروهی را مدیریت کنیم؛
- بدانیم که چطور اختلاف درون گروه‌ها را از مدیریت و حل کنیم و چطور آن‌ها را به‌مثابه یک دارایی درک کنیم؛
- شناخت شرایط و منابع محلی (Serena, 2009: 27-29).

ورزش نقش حیاتی را در جوامع معاصر جدید ایفا می‌کنند. برجستگی ورزش در رسانه‌های جمعی که زمان‌های زیادی را بیش از مسائل سیاسی و اقتصادی به ورزش اختصاص می‌دهند، حاکی از توسعه و گسترش ورزش در طی قرن گذشته و امروز دارد. این پدیده تأثیرات مختلفی بر توسعه و رشد ملت‌ها، فرهنگ‌ها و جوامع دارد. برای اغلب مردم جهان، ورزش یک بخش یکپارچه و جدایی‌ناپذیر زندگی آن‌ها را تشکیل می‌دهد، خواه به‌عنوان مشارکت‌کننده فعال یا خواه به‌عنوان تماشاگر ورزشی ایفا می‌کند. ورزش نه تنها یک فعالیت فیزیکی است، بلکه یک محیط یا عرصه‌ای است که مردم به‌لحاظ اجتماعی به تعامل می‌پردازند. جاروی و ماگوئیر (1994) می‌گویند ورزش و فعالیت‌های تفریحی یک بخش یکپارچه حیات اجتماعی را در همه جوامع تشکیل می‌دهد و به‌طور پیچیده با جامعه و سیاست یا مسائل سیاسی و اجتماعی ارتباط دارد. فرهنگ عمومی ارزش‌های متعدد مثبتی را به ورزش پیوند می‌زند. عوامل تعیین‌کننده و مهمی وجود دارد که چنانچه قرار است از ارزش‌های مثبت ورزش استفاده شود باید مدنظر قرار گیرند و محقق شوند:

- ساخت تیم‌های ورزشی چند فرهنگی در سطح جامعه یا در سطح ملی و منطقه‌ای (کشورهای اسلامی و آسیایی) تحت رهبری مربیان و معلمان که قادر باشند به هدایت تیم‌سازی بپردازند و این فرآیند تیم‌سازی باید به‌گونه‌ای باشد که شامل همه طرف‌ها و فرهنگ‌ها باشد و سبب خلق احترام متقابل میان فرهنگ‌ها و نژادها شود.
- برنامه‌های کلی و یکپارچه میان مدارس وجود داشته باشد.

- حمایت عمومی (دولتی)، مقبولیت سیاسی و زیست‌پذیری سیاسی، همکاری میان سازمان‌ها و تبادل چند فرهنگی وجود داشته باشد.

- حمایت از آموزش فیزیکی یا جسمی در همه مدارس ابتدایی و متوسطه و دبیرستان‌ها.
- فراهم نمودن شرایط راحت برای مشارکت عمومی از جمله حمل‌ونقل، زیرساخت‌ها، تجهیزات و امکانات قابل دسترس.
- همکاری نزدیک بین نهادها و ادارات دولتی نظیر سازمان ورزش و آموزش و پرورش برای تضمین یک سیاست ورزشی و آموزشی واحد.

- هماهنگی نهادها و ساختارهای دولتی، فراهم‌کنندگان خدمات اجتماعی و فعالیت‌های تفریحی با توجه به معیارها و اقدامات توسعه توجه به ورزش سازماندهی شده.

- مشارکت و حضور رسانه‌ها

- توسعه یک چهارچوب سیاسی ملی که فعالیت‌های ورزشی و تفریحی را یکپارچه کرده و در درون سیاست‌های توسعه و برنامه‌های صلح‌سازی بگنجانند.

- بهبود وضعیت زنان در ورزش.

- ارائه فرمی و نیز روشی از ارزیابی برای تضمین این‌که اهداف اجتماعی و تحول‌خواهی برای توسعه ورزش و جامعه محقق شود (Keim, 2012: 1-7).

در مورد دیپلماسی برای ایجاد صلح و نزدیکی کشورها به یکدیگر که مرتبط با بازی‌های المپیک، شواهد طولانی از دیپلماسی چندلایه وجود دارد که شامل ادارات سیاسی سطح کشوری، منطقه‌ای و شهری و همچنین منافع تجاری حول پیشنهاد و دعوت برای بازی‌هاست. این شواهد نشان‌دهنده محدودیت‌های موجود برای تفاسیر واقع‌گرایانه دیپلماسی در ورزش بین‌الملل با تمایل آن با تعامل کشورها نشان می‌دهد و بیان می‌کند که یک چشم‌انداز تعددگرانه تنها در کمک به فهم و شناخت ماهیت دیپلماسی در ارتباط با ورزش در جامعه معاصر مفید خواهد بود، بلکه در زمانی بررسی دیپلماسی برای توسعه صلح در سراسر تاریخ ورزش مدرن هم مفید و سودمند واقع خواهد شد. اما همیشه دیپلماسی ورزش جواب‌گو

نیست مانند برگزاری مسابقه فوتبال بین دو تیم ایران و آمریکا که رسانه‌ها از آن به‌عنوان دیپلماسی فوتبال یاد کردند ولی این دیپلماسی به ایجاد روابط دوستانه منجر نشد. بعد برجسته منفی ورزش در سطح بین‌المللی ایجاد روابط مبتنی بر دشمنی است. ابعاد منفی دیگر آن می‌تواند شامل مسلط شدن بر دیگران، قطبی شدن روابط در ورزش، تمرکز رسانه‌ها بر اندیشه ملی‌گرایانه در ورزش، برای از بین بردن موقعیت‌های صلح‌آمیز، برای تحریک دشمنی، برای خشمگین و تحریک کردن یک کشور و برای آسیب زدن به روابط خنثی می‌باشد.

همه ساله در کشور آمریکا و پس از پایان مسابقات لیگ‌های مختلف این کشور مسابقاتی تحت عنوان جام صلح و دوستی برگزار می‌شود که این مسابقات در سال 1392 با حضور بازیکنانی مثل کریم باقری، مهدی مهدوی کیا و محمد محمدی برگزار شد. در این مسابقات که به‌مدت سه روز در شهر سن دیگو کالیفرنیا برگزار شد، سه بازیکن سابق تیم ملی حضور داشتند و این حرکتی مثبتی در راستای صلح است. هم‌چنین مؤسسه بین‌المللی سفیران صلح در مراسمی نشان صلح جهانی را به علی دایی آقای گل جهان اعطا کرد، علی دایی بعد از دریافت نشان صلح گفت: به‌عنوان پیام‌آور صلح افتخار من است که در جمع دوستانی باشم که سهم قابل توجهی به هر روش در تبدیل رؤیای صلح به واقعیت دارند. روزی بود که واژه «صلح» به‌عنوان واژه مخالف «جنگ» تعبیر شده، اما امروزه تنوع وسیعی از نیازهای بشر را پوشش می‌دهد و در نهایت به صلح روح و ذهن او منجر می‌شود، به‌همین دلیل است که هر تلاشی برای حذف ناهنجاری‌هایی چون اعتیاد، ایدز، مواد مخدر و تروریسم که صلح جامعه جهانی را تهدید می‌کند مقدس و در خط تثبیت صلح شمرده می‌شود. شخصاً در انتظار روزی هستم که صلح تنها یک آرزو نباشد (خبرگزاری مهر، 1392).

در دورانی که ما زندگی می‌کنیم، اکثر ورزش‌های حرفه‌ای، ماهیتی رقابتی دارند و برای بازیکن، معنایی جز نهایت سعی و کوشش برای پیروز شدن، ندارند. فقط در سبزه‌زارهای روستایی که احساس وطن‌پرستی در طرفداری از تیم‌ها دخالته ندارند، به سادگی و صرفاً برای تفریح می‌توان بازی کرد. به محض آن‌که گرور و حیثیت پا پیش می‌گذارد، به محض آن‌که احساس می‌کنید واحد بزرگ‌تری که بدان تعلق دارید در صورت بازنده شدن، بی‌اعتبار و آبرو می‌شود، قوی‌ترین غرایز جنگجویی در شما بیدار می‌شود. به‌عبارت دیگر، ورزش در سطح بین‌المللی، تقلید صحنه‌ها و خشونت‌های جنگی است. در اینجا نه رفتار بازیکنان، بلکه نگرش تماشاچیان اهمیت دارد و در ورای تماشاچیان، ملت‌ها خشم و عصبیت خود را بر سر این رقابت‌ها و مسابقات به حد اعلی می‌رسانند و جداً باور دارند که دوییدن، پریدن و ضربه زدن به یک توپ، بوته آزمایش فضای ملی، بومی و محلی (باشگاهی) آنان محسوب می‌شود (اورول، 1385: 69-68).

2- ورزش و توسعه اجتماعی و اقتصادی

ورزش به‌عنوان یک فعالیت اجتماعی ارتباط نزدیکی با فرهنگ و توسعه جوامع پیدا کرده است. این آگاهی روزافزون در زمینه نقش و جایگاه ورزش در توسعه و پیشرفت جوامع را می‌توان در سطوح مختلف ملی و بین‌المللی مشاهده کرد. در این راستا، ورزش به‌عنوان یک شیوه مؤثر برای دستیابی به اهداف مهم توسعه هم‌چون برقراری و صلح و آرامش و سازش و همزیستی مسالمت‌آمیز بین افراد، گروه‌ها و جوامع مطرح شده است. بسیاری از جوامع ورزش را نیز، هم‌چون فرهنگ، به بخش جدایی‌ناپذیر زندگی افراد و جوامع در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته تبدیل شده است. بعضی‌ها معتقدند که ورزش، زبانی بین‌المللی است و پیوند میان ملت‌ها را سهل و ساده‌تر کرده است. ورزش را می‌توان نموداری از حد کارآیی دولت‌ها ارزیابی کرد، چون دولت‌ها از سانسور و کنترل آن عاجزند و برآیند مسابقات معمولاً تصویری واقعی از اوضاع مدیریت و میزان مسئولیت‌شناسی و تولید ایده‌ها و راه‌کارهای تازه را به‌دست می‌دهد. زمانی که مردم علاقه زیادی به ورزش دارند مسئولین حکومتی اغلب از بودجه عمومی برای حمایت ورزشکاران و تیم‌ها به‌عنوان

نمایندگان شهر و جامعه استفاده می‌کنند. وحدت احساسی که به‌وسیله ورزش یا یک تیم ورزشی ایجاد می‌شود که می‌تواند برای تقویت یا احیای صلح و دوستی استفاده شود. سوچن و تاملینسون در پژوهشی اعلام کردند که هدف جام جهانی 2002 کره جنوبی و ژاپن از نظر کره‌ای این بود تا در نهایت از آن به‌عنوان کاتالیزوری برای نشان دادن صلح در شبه جزیره کره استفاده کنند؛ ژاپنی‌ها نیز هدفشان آن بود که با میزبانی جام جهانی فوتبال ثبات سیاسی، تکنولوژی پیشرفته و زیربنای کشورهایشان را به جهانیان نشان دهند (Hlabane, 2012: 69).

هم‌چنین به‌واسطه وحدت احساسی ناشی از ورزش و مسابقات ورزشی، صلح و همبستگی و وحدت ملی نیز تقویت می‌شود و به‌نوعی هویت ملی می‌تواند بهبود یابد وقتی ورزش و بازی‌های ورزشی در کشورها به‌صورت حرفه‌ای و فعالیت اجتماعی درآید می‌تواند سلامت روحی و روانی جامعه را تضمین کند و استعدادهای جوانان و مردم یک کشور را سالم نگه دارد و جامعه‌ای که مردم سالم و با نشاط دارد و تفریح خود را با ورزش و مسابقات ورزشی می‌گذرانند قطعاً بهتر می‌تواند در سازندگی و توسعه و پیشبرد اهداف ملی خود نقش ایفا کنند. در سطح منطقه‌ای نیز می‌تواند سبب رفع سوءتفاهم‌ها و تصحیح تصورات نادرست درباره یک ملت شود وقتی فضا به‌سمت چنین روندی حرکتی می‌کنند و مردم یک کشور، ملت‌ها و دولت‌های منطقه به‌جای رقابت تسلیحاتی و جنگ و درگیری و سلطه‌طلبی به رقابت در میدانی ورزشی و قهرمانی جوانمردانه روی می‌آورند، می‌توانند باعث ایجاد دوستی و اخلاق و فضای اخلاقی و معنوی در منطقه و جهان شوند و زمینه‌ساز رشد انسان‌ها و جوامع را فراهم کند. ورزش و مسابقات ورزشی روحیه تساهل و تسامح و عقلانیت و خویش‌داری را تقویت می‌کند البته به‌شرطی که متخصصان فرهنگی و اجتماعی در کنار ورزشکاران هم ایفای نقش کنند و مشاوره‌های ارزشمندی به بازیکنان و مسئولان ورزشی ارائه دهند. ورزش‌های پرطرفدار که یک نوع بازی هستند ولی در عین حال یک فعالیت تجاری هم محسوب می‌شوند. ورزشی مثل فوتبال در جایی بین جنگ و اقتصاد، رقابت جدی و انگیزه برای پیروزی از یک‌طرف و همکاری تجاری و تبادل در بازی‌های جهانی و ساختارهای جام و تطابق با قوانین و مقررات وضع شده از طرف دیگر که آنها را با هم تلفیق می‌کند. هم‌چنین به‌دلیل وجود منافع دوسویه‌ای که میان مؤسسات تجاری کشورها و ورزش به‌وجود آمده، به‌طوری‌که این مؤسسات پس از تشکیلات ورزشی بین‌المللی و المپیک و حکومت‌های ملی، مهم‌ترین تشکیلات اجتماعی هستند که به ورزش توجه خاصی داشته و از آن حمایت می‌کنند.

3- ورزش و انسجام ملی و همگرایی منطقه‌ای و جهانی

حضور تیم ملی ورزشی یک کشور در مسابقات جهانی می‌تواند عرصه مهمی برای هم‌گرایی باشد. در بازی‌های ملی به‌دلیل برانگیخته شدن حس وطن‌دوستی، تقریباً بیشتر اختلاف‌ها و تفاوت‌ها کنار گذاشته می‌شود و همه حول یک محور، یعنی همان هویت ملی به اتحاد می‌رسند و اتحاد، همکاری و دوستی در کشور تقویت می‌شود. این‌گونه فرصت‌ها، می‌توانند محمل خوبی برای ایجاد همبستگی ملی و جلوگیری از تفرقه و تضاد یا همان حس واگرایی در جامعه باشند، به‌شرطی که به‌نحو مطلوب از آن‌ها بهره گرفته شود.

نمودار شماره 1: نقش و جایگاه ورزش در حل منازعات داخلی و قومی



(Serena, 2009: 13)

ورزش اغلب ابزاری برای میانجیگری که فراتر از شکافهای طبقاتی خصوصاً در بین کودکان و جوانان است. بر طبق نظر هیینه مان، اختلافات یا تفاوت‌های خاص طبقاتی در رفتار ورزشی تنها حدود سن 20 سالگی ظهور می‌یابند. در آفریقای جنوبی، ورزش اغلب تفاوت‌های طبقاتی را پشت سر می‌گذارد و فراتر می‌رود. به عبارتی ورزش اختلافات طبقاتی را از بین می‌برد. صرف‌نظر از شرایط اجتماعی و اقتصادی مردم یا گروه‌های غیربرخوردار و فقیر و کمبودهایی که در این جوامع وجود دارد، جایی که تجهیزات و امکانات ورزشی وجود ندارد اختلافات طبقاتی نیز آشکار هستند و توسعه می‌یابند. تجهیزات، تسهیلات و مربیان آموزشی در مناطق فقیر آفریقا بسیار اندک‌اند. دسترسی به مشارکت در ورزش برای سیاه پوستان در آفریقا بسیار محدود است و دسترسی آنها به اندازه آفریقائیان سفیدپوست نیست. یک دلیل آن چنین وضعیتی تأثیر نظام آپارتاید و فقدان تجهیزات لازم برای شهرک‌نشینان و مناطق حومه آفریقایی است که این به نوبه خود فرصت‌های جدیدی را برای توسعه طیفی از فعالیت‌های تفریحی و وقت‌گذرانی را فراهم می‌کند که نصیب جوامع و اجتماعات مرفه‌تر می‌شود. عامل دیگر نیز سنت‌های برخی جوامع است که از جمله فعالیت‌هایی که به زنان اجازه داده می‌شود و فعالیت‌هایی که به آنها اجازه داده نمی‌شود. موانع برای توسعه اجتماعی و صلح‌سازی در آفریقای جنوبی شامل تعصبات و پیش‌داوری‌های قومی، نژادپرستی و بیگانه‌هراسی می‌شود. نگرش‌ها و رویکردهایی که با آپارتاید تغذیه می‌شدند، اما این نگرش‌ها حتی تا به امروز بعد از گذار به دموکراسی در این کشور وجود دارد و باقی مانده‌اند و تلاش‌ها برای ساختن و شکل‌گیری جوامع سالم‌تر و هوشیارتر را تضعیف کرده است و نیز تلاش‌ها برای مراقبت بیشتر از مردم جامعه و گروه‌های مختلف جامعه را تحلیل و تضعیف نموده است (Keim, 2012: 1-7).

یکی از مهم‌ترین نمونه‌هایی را که نشان می‌دهد ورزش چگونه می‌تواند هویت ملی را تقویت کند می‌توان در آفریقای جنوبی مشاهده کرد؛ آن‌ها زمانی که نلسون ماندلا رئیس‌جمهور سابق این کشور در سال 1995 از جام جهانی راگی به‌عنوان ابزاری برای پل زدن بین شکاف‌های اجتماعی و سیاسی بین جمعیت‌های آفریقایی، سیاهان و رنگین پوست‌های این کشور استفاده کرد. به‌طور سنتی راگی در آفریقای جنوبی به‌عنوان نماد مخالفت آفریقایی‌ها تلقی شده است. اقدام ماندلا در پذیرش تیم ملی راگی این کشور و کمک به آن برای پیروزی در جام جهانی راگی به‌عنوان یک رفتار آشتی‌جویانه نمادین تلقی شده است. حضور ماندلا در مسابقه نهایی این بازی‌ها و پوشیدن زیرپوش غزال آفریقای جنوبی کمک کرد حمایت آفریقایی‌ها را به‌دست آورد و وحدت سیاسی را در این کشور ایجاد کند. ماندلا از این طریق توانست حس هویت ملی را در «ملت رنگین کمان» جدید ایجاد کند (Heere, 2013: 451).

جدول شماره 1: نقش ورزش در حل منازعات و خشونت‌های قومی

راه‌حل برای رفع خشونت و منازعه	ویژگی‌ها	نقش ورزش
راه‌حل اصولی حل منازعه	رویکرد کل‌نگر، گسترده و جامع: زمان برای شروع همیشه هست اما زمان برای پایان هرگز	ساخت و گسترش روابط، خلق شرایط مطلوب برای راه‌حل صلح، افزایش احتمال و امکان موفقیت از طریق توسعه روابط.
آشتی و مصالحه طرفین	تأسیس روابط کاری منطقی (بر اساس اعتماد و عدالت)	توانبخشی روحی و فیزیکی، درمان آسیب‌های روحی، ساخت و گسترش روابط، کمک به مردم تا از چرخه‌های معیوب و خطرناک نفرت و انتقام‌رهایی یابند و دور شوند
بازسازی بعد از خشونت	فرهنگ‌سازی و فرهنگ‌پذیری، ارائه و معرفی دانش‌ها و مهارت‌های برخورد و منازعه عملی	ایجاد پل یا پیوند برای نزدیک‌تر کردن جوانانی که در فعالیت‌های ورزشی شرکت دارند و آن‌ها را تشویق می‌کند.
	توانبخشی و درمان آسیب‌ها و ضربه‌های روحی	درمان آسیب‌های روحی و ساخت روابط
	بازسازی، تعمیر فیزیکی و ساختن یک ساختمان جدید	ساخت زیرساخت‌های ورزشی
	بازسازی و دموکراسی‌سازی و حذف دافعه اجتماعی و تقویت جوامع محلی	سات روابطی که تسهیل‌کننده جاذبه و دربرگیری اجتماعی است

(Serena, 2010: 9)

4- ورزش و سیاست

استفاده‌ی سیاسی از ورزش و دخالت سیاست در ورزش سابقه‌ای بسیار دارد و از نخستین دوره‌های بازی‌های المپیک در دوران نوین، نشانه‌های آن پدیدار شد. با گسترش حوزه ورزش مدرن، سیاست بین‌الملل به‌عنوان منبع تاثیرگذار در سیاست داخلی کشورهای جهان مطرح شد به‌گونه‌ای که روند تحولات خارجی به‌عنوان یک تحمیل برای سیاست‌گذاری داخلی تبدیل می‌شود. ورزش می‌تواند در حیطه‌ی دیپلماسی عمومی مفید و سودمند باشد و باعث مبادلات فرهنگی و ارتباطات عمومی بین مسئولین شود. به‌عبارت دیگر، ورزش فرصتی را برای رهبران سیاسی فراهم می‌آورد تا با هم دیگر ملاقات و گفت‌وگو کنند (Coakley, 2009: 451). همان‌طور که تاریخ نشان داد، همیشه هم این‌طور نیست که ورزش باعث ایجاد صلح و گفت‌وگو شود. در منطقه آمریکای مرکزی کونکاکاف، یکی از مهم‌ترین حوادث ناگواری که در

این عرصه رخ داده است، حادثه‌ای که شاید دیگر همانند آن تکرار نشود. دو کشور هندوراس و السالوادور در سال 1969. م پس از یک مسابقه فوتبال و حوادث میدان و داخل استادیوم به یک دیگر اعلان جنگ دادند و با تانک و توپ و هواپیما به مرزهای هم هجوم آوردند. این جنگ که بعدها به جنگ فوتبال معروف شد در حدود سه هزار نفر کشته در پی داشت و هزاران نفر را بی‌خانمان کرد (فتحی، 1377: 55). در برخی از موارد ورزش برای بیان اعتراضات به نبود آزادی‌های اجتماعی و حقوق برابر اقلیت‌ها در یک کشور و نیز آگاهی بخشی درباره افراد و مردم به حاشیه رانده شده در کشورها استفاده شده است. مثلاً در بازی‌های سیدنی (المپیک)، ورزشکاری از جامعه اقلیت استرالیا در این المپیک شرکت می‌کند بعد از پیروز شدن، از نشانه‌ها و حرکات و پرچم خاصی برای افشای تضييع حقوق اقلیت‌ها در استرالیا استفاده کرد و جامعه جهانی را از وجود تبعیض در جامعه استرالیا آگاه ساخت.

نشانه‌شناسی دیپلماسی ورزشی، متشکل از مجموعه‌ای از نشانه‌های پیچیده و تأثیرگذار بر یکدیگر است. یک مسابقه ورزشی می‌تواند این نشانه‌ها را به مخاطبان‌اش انتقال دهد. در مرتبه نخست، برگزاری مسابقه بین دو کشوری که برای مدتی با یکدیگر اختلاف داشتند، می‌تواند علامت ملموسی باشد؛ از این امر که رهبران دو کشور درصد تعریف مجدد و بازبینی روابطشان هستند (شهابی، 1383: 9). ورزش در طول تاریخ خود سهم فراوان و بسزایی در حل مشکلات میان طرف‌های درگیر بین‌المللی داشته است، این امر در طبیعت ورزش ریشه دارد، چرا که ورزش یک محیط آماده و مناسب و عامل تلطیف‌کننده کشمکش‌ها و مداخلی طبیعی برای ملاقات‌های بین‌المللی به‌شمار می‌آید. علاوه بر این‌ها ورزش از توانایی بالایی برای کاهش دادن عوامل درگیری و تبدیل آن‌ها به یک رقابت شرافتمندانه برخوردار است.

مسابقات راگی جهانی مثال جالبی است. هر سال وقتی تیم‌های ملی برگزیده می‌شوند، جناح‌های در حال جنگ ایرلند و ایرلند شمالی دشمنی‌های شدید خود را کنار نهاده، بازیکنانی از هر دو گروه باهم ترکیب می‌شوند تا تیم ملی ایرلند را تشکیل دهند. تیمی که مردم هر دو ملت برای آن فریاد شادی سر می‌دهند. هم‌چنین یکی از مهم‌ترین رویدادهای ورزشی که حزب سوسیالیست لهستان آن را برگزار کرد، مسابقات قهرمانی بوکس اروپا یا مسابقات صلح در سال 1958 بود که تبلیغات گسترده‌ای در اروپا برای این مسابقات در آن زمان صورت گرفته بود (Ordyłowski, 2006: 6). سازمان المپیک یک موضوع ناب روابط بین‌المللی است. این سازمان رویدادی تولید می‌کند که از لحاظ اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بازتاب جهانی دارد. کمیته بین‌المللی المپیک، با وجود شباهتی که با یک بنگاه چندملیتی و نیز با سازمانی چون سازمان ملل متحد دارد، از ویژگی‌های خاصی برخوردار است. این «کمیته» که در اواخر قرن نوزدهم تأسیس شده است، نمونه نوعی از سازمان غیردولتی بین‌المللی است. اشتیاق کمیته بین‌المللی المپیک برای نقش داشتن در دیپلماسی بین‌المللی و قدرت منافع کشور در محدود کردن این اشتیاق مربوط می‌شود (التیامی‌نیا؛ محمدی عزیزآبادی، 1394: 166-167).

امروزه یکی از سرفصل‌های مهم رابطه سیاست و ورزش، موضوع فدراسیون‌های ورزشی بین‌المللی است. در دهه 90 رژیم‌های حقوقی بین‌المللی گسترش یافتند و در صحنه جهانی از نقش مهم‌تری برخوردار شدند. درحوزه ورزش هم روند مشابهی طی شد. فدراسیون‌های ورزشی توسعه یافتند و قدرت بیشتری کسب کردند. برخی محققان که ورزش‌های مدرن را شبه دین قلمداد می‌کنند، اقتدار سازمان‌های ورزشی را با کلیسا مقایسه می‌نمایند، زیرا این فدراسیون‌های جهانی به اشکال خاصی از کنش‌های ورزشی مشروعیت می‌بخشند، معیارهای برای ارزیابی این کنش‌ها تعیین می‌کنند، مرزهای تمایز خوب از بد و درست از غلط را روشن می‌سازند، به استقرار سنت‌های ورزشی خاصی کمک می‌کنند، پاداش می‌دهند

و مجازات می‌کنند و غیر آن (روزخوش، 1389: 35). با این گفته‌ها می‌توان نقش بسیار مهم این سازمان‌های غیر دولتی و غیر حکومتی بین‌المللی را در توسعه صلح درک کرد.

نتیجه‌گیری

هر چند در المپیک و جام‌های جهانی، ملت‌های جهان با یکدیگر هم بازی می‌شوند و از این طریق، آشنایی میان فرهنگ‌ها صورت می‌گیرد و صلح و دوستی تقویت می‌شوند، اما مرزهای میان ملت‌ها، در فضای مسالمت‌آمیز و دوستانه به شکل بارزی برجسته می‌شود و تأکید بر تعلقات ملی و تمایزات بین ملت‌ها پذیرفته شده و تأیید می‌گردد. از این منظر، ورزش‌های پرطرفدار کارکردی آموزشی برای یاد دادن قواعد زندگی اجتماعی و شیوه‌های سازگاری با جامعه و مرزبندی‌های مرسوم پیدا کرده است. ورزشی مثل فوتبال توانسته است بیگانه‌ستیزی در جهان را کاهش دهد، موجب آشنایی مردم کشورها با یکدیگر شود و پیام‌آور صلح باشد. همچنین با ایجاد غرور ملی در مردم یک کشور موجب انسجام ملی می‌شود و با ایجاد احساس علاقه به میهن، مردم یک کشور را به هم پیوند می‌دهد. جامعه‌شناسان به دلیل این که فوتبال می‌تواند همه آحاد یک ملت با زبان‌ها و مذاهب مختلف را با حمایت از یک نقطه مشترک یعنی تیم ملی به هم پیوند دهد، آن را مهم تلقی می‌کنند. به طوری که حکومت‌های ملی و مجامع بین‌المللی نیز با تشکیل وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مربوطه در سطح ملی و نهادها و انجمن‌ها در سطح بین‌المللی توجه ویژه‌ای را معطوف ورزش نموده و از نقش و جایگاه آن در راستای توسعه و صلح به خوبی استفاده می‌نمایند. شاید دلیل اصلی توجه و اهمیت به ورزش را بتوان در نفوذپذیری آن یافت، جایی که توجه و علاقه عمومی نسبت به ورزش و به عبارت دقیق‌تر محبوبیت عمومی آن موجب شده تا ورزش در هر کجا که وارد می‌شود مهم و اثرگذار جلوه نماید. در کل دیپلماسی ورزش را با طیف وسیعی از مداخله‌ها می‌توان برای موارد زیر به کار گرفت: بهبود و تصحیح تصویر یک ملت، تقویت دوستی، افزایش صلح و توسعه رفاقت بین ملت‌ها، پیشبرد تجارت و گردشگری، تشویق توسعه بین‌المللی، وحدت بخشیدن به اقلیت‌ها، و مهم‌تر از همه، بهبود روابط بین‌الملل.

منابع

الف) منابع فارسی

1. التیامی‌نیا، رضا؛ محمدی عزیزآبادی، مهدی (1394)، نقش تبعی و تسریع‌کننده‌ی ورزش در فراهم کردن شرایط صلح در بین دولت‌ها، **فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی**، دوره هفتم، شماره 22، صص 149-179.
2. اورول، جرج (1385)، روحیه ورزشی، ترجمه علی آشتیانی، **مجله سوره**، شماره 25، صص 69-68.
3. خبرگزاری مهر (1392/5/29)، مشاهده در وب سایت: <http://www.mehrnews.com/news/211963>
4. روزخوش، محمد (1389)، ورزش و سیاست، سوبه‌های مختلف یک رابطه، **فصلنامه علوم اجتماعی**، شماره 30 و 31، صص 33-35.
5. شهابی، هوشنگ (1383)، دیپلماسی ورزش بین ایالات متحده و ایران، **گفت‌وگو**، شماره 42، صص 26-7.
6. فتحی، هوشنگ (1377)، **ورزش و تبلیغات**، تهران: امیرکبیر.
7. محمدی عزیزآبادی، مهدی (1394)، بررسی نقش ورزش در تقویت هویت ملی (با تأکید بر شهر کرج)، **پایان نامه برای اخذ مدرک کارشناسی ارشد**، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یاسوج

ب) منابع لاتین

1. Carroll, T. (2013), "Illusion of Unity: The Paradox between Mega-Sporting Events and Nation Building", Exchange: **The Journal of Public Diplomacy**, (1) 3, Pp 12-23.
2. -Coakley, JJ. (2009), "Sports in society: issues and controversies In Sports in society", **issues and controversies**, PP 439-70: McGraw-Hill.
3. -Heere, Will (2013), "The Power of Sport to Unite a Nation: the Social Value of the 2010 FIFA World Cup in South Africa", **European Sport Management Quarterly**, (4) 13, Pp450-471.
4. Hlabane, B. (2012), "The Political, Economic And Social Impact Of Hosting Mega-Sports Events: The 2010 South Africa World Cup In Comparative Perspective", Beppu: **Ritsumeikan Asia Pacific University**.
5. Keim, Marion (2012), "Sport as Opportunity for Community Development and Peace Building in South Africa" Pp 1-7.
6. Merkel, U (2008), "the Politics of Sport Diplomacy and Reunification in Divided Korea", **International Review for the Sociology of Sport**, 43: 289.
7. Ordylowski M, Szymanski L (2006), "Sport in politics - politics in sport. Stalinism in Poland in the years 1949-1956", **In American Communist History**, pp 1-3.
8. -Rooney, Paul (2012), "Sport for Development and Peace: the case of Northern Ireland", p1-69. <http://www.football4peace.Eu/Downloads/Publications>.
9. Serena, Orsani (2009), "Contribution of Sport within the Process of Peace and Reconciliation", Pp 1-29.